

امیرعبداللہیان در مسکو چه گفت؟

به نظر می‌رسد که سفر آقای وزیر خارجه به مسکو در شرایط خیلی حساس و برهه سرنوشت‌سازی اتفاق افتاده است. چون در مسئله جمهوری آذربایجان در نزدیکی ما، مناقشه‌ای بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان وجود دارد که روسیه ابتکار آتش‌بس آن را ترتیب داده بود.

به گزارش خبرنگاران جامعه گزارش خبر، آقای امیرعبداللہیان حتما در این سفر درباره این موضوع صحبت کرده است. موضوع دیگر همکاری‌های استراتژیک بین ایران و روسیه است. گویا تصمیم بر این است که ایران با روسیه در زمینه‌های همکاری‌های استراتژیک که تاکنون ادعا می‌شد، قرار است قرارداد امضا کنند. در نقطه تاریخی کنونی این خیلی مسئله حساسی است، چون جمهوری اسلامی ایران بر این باور است که یک سر مسئله قفقاز، به روسیه مربوط است و به همین دلیل باید در این زمینه کار را با روسیه هماهنگ کرد.

توافق‌نامه آتش‌بسی که سال گذشته امضا کردند، یک سند حقوقی بین‌المللی نیست بلکه بین طرفین امضا شده است و موافقت کردند که آتش‌بس برقرار شود. مسئله جنگ قره‌باغ و فیصله آن در اختیار گروه مینسک به ریاست آمریکا، فرانسه و روسیه از طرف سازمان امنیت و همکاری در اروپاست. به غیر از مشارکت این گروه هیچ سندی که به امضای شورای امنیت سازمان ملل نرسیده باشد، سند حقوقی نیست. در بند ۹ موافقت‌نامه آتش‌بس ابتکاری روسیه درباره تخصیص یک کریدور به نام لاجین برای ارتباط ارمنه قره‌باغ به ارمنستان گنجانده شده است که ارمنه‌ای که در شهر خان‌کندی به گفته آذربایجانی‌ها و استپاناکرت به گفته ارمنی‌ها، حضور دارند و تحت حمایت دوهزار نفر نیروهای پاسدار صلحی هستند که از روسیه آمده‌اند و در آن منطقه مستقر شده‌اند، بتوانند با خاک ارمنستان در ارتباط باشند.

موضوع این است که در آنجا گفته شده که در قبال کریدوری که جمهوری آذربایجان در اختیار ارمنه قره‌باغ قرار می‌دهد، یعنی کریدور لاجین که از طریق آن قرار است به خاک اصلی ارمنستان رفت‌وآمد کنند، در جنوب ارمنستان کریدوری در اختیار جمهوری آذربایجان قرار دهد که آذربایجان بتواند با بخش برونجان خود که جمهوری خودمختار نخجوان است و به وسیله خاک ارمنستان از خاک اصلی جمهوری آذربایجان جدا افتاده به خاک اصلی خود ارتباط دهد، کریدوری که در داخل خاک ارمنستان و به موازات مرز به طول ۴۱ کیلومتر مرز مشترک بین ایران و ارمنستان قرار دارد.

در آن زمان، آقای پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان بند ۹ را قبول نکرد و این موضوع به همین شکل ماند و جمهوری آذربایجان این‌طور تبلیغ کرد که قرار است آنجا کریدوری ترانزیتی درست کنند که ترکیه از آن طریق و از مسیر نخجوان وارد ارمنستان و از آنجا وارد جمهوری آذربایجان شود و مستقیماً به باکو برسد و از باکو از طریق دریای خزر به آسیای مرکزی برسد و تبلیغات متعددی درباره این کریدور شد. ولی طبق تعریف بین‌المللی کریدور، از لحاظ حقوقی کریدور در اختیار کشوری است که کریدور در آنجا قرار دارد.

مفهومش این نیست که کریدور خاک کسی است که می‌خواهد از آن استفاده کند. چون دو سر ورودی و خروجی کریدور تحت حاکمیت کشورهای است که در آن قرار دارند و مبادی ورودی و خروجی‌اش کاملاً تحت کنترل و گمرک و مرزبانی آن کشور است که اینجا ارمنستان است. تا قبل از این، جمهوری آذربایجان برای ارتباط این دو سو از خاک ایران استفاده می‌کرده است؛ یعنی از نخجوان می‌آمدند وارد خاک ایران می‌شدند و از طریق خاک ایران می‌رفتند و به قسمت بعدی مسیر که خاک اصلی جمهوری آذربایجان بود، می‌رسیدند. در ۳۰ سالگی که جمهوری آذربایجان از این کریدور استفاده می‌کرد، به راحتی کامیون‌هایش می‌آمدند و می‌رفتند و ما هیچ حق گمرکی نمی‌گرفتیم.

ولی در شرایط کنونی که ایران از مسیر ارمنستان به سمت شمال و قفقاز از راه‌ها استفاده می‌کند، بخشی از این راه در دوره اشغال این کریدور و اشغال قره‌باغ که از گورپس تا قاپان است، در آن منطقه قرار می‌گرفته، حدود ۲۵ کیلومتر است و چون کامیون‌های ایرانی مجبور بوده‌اند از آنجا بروند، حالا که جمهوری آذربایجان حاکمیت خودش را اعمال کرده است، از ایرانی‌ها حق ترانزیت می‌گیرد که گفته می‌شود حدود ۱۳۰ دلار است. دو کامیون ایرانی را هم که از آنجا رد شده‌اند، بازداشت کرده است.

باید به جمهوری آذربایجان گفت شما ۳۰ سال از خاک ایران استفاده کردید و چنین اتفاقی نیفتاد. حال چطور شده است که از کامیون‌های ما که از آنجا رد می‌شوند، حق ترانزیت می‌گیرید و دو کامیون را بازداشت کرده‌اید؟ این چه نوع همسایگی است؟ حیات و ممت نخجوان در این مدت وابسته به ایران بوده است.

آقای امیرعبداللہیان طبیعی است که این مسائل را آنجا مطرح کرده است و به لاوروف و مقامات روسیه این را منتقل می‌کند که شما که با جمهوری آذربایجان روابط خوبی دارید و با ارمنستان هم رابطه دارید و حتی در پیمان امنیت دسته‌جمعی با ارمنستان هستید، به اینها فشار بیاورید که این مسئله را حل کنند.

الان ایران هم از طریق پیمانکارهای ایرانی و وزارت راه قرار شده که به سرعت در آن منطقه، میانبر بزنند و مسیر را درست کنند. این موضوعی اساسی است که در مذاکرات ایران و روسیه بوده است.

مسئله افغانستان هم هست، چون یکی از کشورهای خارجی و قدرت‌های منطقه‌ای که در دوره مبارزات طالبان با دولت مرکزی افغانستان، در مشروعیت بخشیدن به طالبان در کنار آمریکا نقش داشته، خود روسیه بوده است. حالا که روسیه توانسته طالبان را در دوره‌ای که حکومت مرکزی در افغانستان مستقر بوده دعوت کند، می‌تواند روی طالبان اعمال نفوذ داشته باشد.

اگر بخواهند در شناسایی طالبان وارد شوند، شرط و شروطی است که می‌توانند برایش قائل بشوند. این هم موضوعی است که آنجا می‌توانسته درباره‌اش صحبت شود.

نکته سوم و اساسی‌تر، خود مسئله برجام است و به نظر می‌رسد در شرایط حساس کنونی، بخش مهم مذاکرات به همین بازگشت ایران به مذاکرات برجام وابسته است؛ چون آقای بلینکن هم با لاوروف برای ادامه برجام گفت‌وگوی تلفنی داشتند.

با وجود این موضوعات، وزیر خارجه در شرایط خوبی به مسکو رفته و اینها مسائلی است که واقعا برای ایران و شرایطی که در منطقه حاکم است، حیاتی است.

در پیرامون ما الان اینها موضوعات خیلی حساسی هستند. از یک طرف ایران به طریق غیرمستقیم با عربستان مذاکره می‌کند، با طالبان مسئله داریم و جمهوری آذربایجان و ارمنستان در منطقه قفقاز شرایط بسیار حساسی ایجاد کرده‌اند. اینکه سفر وزیر خارجه به این منطقه تا چه حد موفقیت‌آمیز بشود،

الان گزارش نشده است.

همین که خودشان به چنین ابتکاری دست زده‌اند، مهم است و لازم بود که بروند، چون در دولت سیزدهم، اولویت سیاست خارجی پرداختن به مسائل با کشورهای همسایه است؛ هم افغانستان، هم عراق و هم مسئله جمهوری آذربایجان و قفقاز خیلی مهم است.

پیش‌بینی‌ای که بود برای حل مسئله قفقاز یک ابتکار ۳+۳ بود. ابتکار ۳+۳ یعنی سه کشور منطقه قفقاز، یعنی جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان، به اضافه ایران، روسیه و ترکیه، به‌عنوان قدرت‌های همسایه در پیرامون این منطقه. این ابتکار پیشنهاد شده و روسیه هم روی آن پافشاری داشته است ولی اخیراً رئیس‌جمهور آذربایجان اعلام کرده است که ۲+۲ را می‌خواهد، یعنی روسیه، ترکیه، ارمنستان و جمهوری آذربایجان. گرجستان هم اعلام کرده است در هر ترکیبی که بخواهد صورت بگیرد، اگر روسیه حضور داشته باشد، شرکت نمی‌کند؛ چون می‌گویند روسیه دو بخش از سرزمینشان را اشغال کرده است. الان مسئله مناقشه برانگیز این است که بالاخره این ابتکار که می‌خواهند با هم گفت‌وگو کنند، برای ترتیبات امنیتی منطقه چگونه خواهد شد و لاوروف هم اعلام کرده است که ما علاقه‌مندیم برای ترتیبات امنیتی در منطقه سازوکاری تعریف کنیم. اینها موضوعات خیلی مهمی است که بحث درباره آنها باید ادامه پیدا کند تا ببینند به کجا می‌رسند. جمهوری اسلامی ایران نسبت به مرزهای شمال غربی خودش حساس است، به‌ویژه به رابطه جمهوری آذربایجان با اسرائیل. در دوره‌ای، جمهوری آذربایجان بهانه می‌کرد که شما با ارمنستان رابطه دارید که دشمن ماست، ما هم می‌خواهیم با اسرائیل رابطه داشته باشیم که دشمن شمامست. یعنی در حقیقت بحث موازنه قدرت می‌کردند. ولی موضوع این است که ما به ارمنستان به‌عنوان یک همسایه نگاه کرده‌ایم و وزن ارمنستان و جمهوری آذربایجان برای ما مساوی بوده است.

اگر ما به ارمنستان پل دادیم که روی رود ارس است و ارمنستان از طریق آن با ایران در ارتباط است، خاک خودمان را هم سال‌هاست در اختیار آذربایجان قرار داده‌ایم. این به نظر من ناسپاسی دولت جمهوری آذربایجان نسبت به ایران است. ما کمک‌های بشردوستانه زیادی کرده‌ایم به جمهوری آذربایجان. ما گاز آذربایجان را به نخجوان سوآپ می‌کنیم. به نظر می‌رسد که ما از ابزارهای در اختیار خودمان خوب استفاده نکرده‌ایم. ما قدرت این را داریم که اعمال اراده کنیم و این را باید به جمهوری آذربایجان هم نشان بدهیم.

ولی موضوع اساسی این است که ایران اصلاً خواهان جنگ نیست. موضوع از اینجا شروع شد که ترکیه، جمهوری آذربایجان و پاکستان، در آن منطقه مانور انجام دادند. بهانه‌شان هم این بود که ترکیه و پاکستان کشورهایی بودند که اشغال قره‌باغ را توسط ارمنستان قبول نکردند و با ارمنستان رابطه دیپلماتیک برقرار نکردند. ولی ما می‌گوییم شما رفته‌اید از فراسوی منطقه یک دولت متخاصم را آورده‌اید کنار مرزهای ما. ما با ارمنستان همسایه‌ایم. اگر ما با اینها رابطه داریم به خاطر این است که مرز مشترک داریم و می‌خواهیم استفاده کنیم. با مردم کار داریم.

مسئله دیگر اینکه اگر بخواهند برای ایران مزاحمت ایجاد کنند، چنانکه گرجستان هم اخیراً محدودیت‌هایی ایجاد کرده است، ایران کشور محصور در خشکی نیست. ایران یک کشور بزرگ است که در جنوب ۲۰۴۰ کیلومتر مرز آبی دارد.

ایران از طریق دریای خزر می‌تواند از طریق روسیه و آسیای مرکزی با جهان ارتباط داشته باشد. محدودیتی برای ایران نیست.

محدودیت برای آذربایجان است. اگر جمهوری آذربایجان بخواهد مزاحمت ایجاد کند، به دنبال این خواهد بود که از طریق ترکیه کار خود را پیش ببرد ولی با ترکیه هم کاملاً شرایط برایش فراهم نیست، چون اگر بخواهد از نخجوان برود محدودیت‌هایی دارد و ایران هم می‌تواند جلوی او را بگیرد و راه زمینی نهد و ارتباط را قطع کند. آن وقت فقط می‌ماند نخجوان که بخش کوچکی است که یک میلیون جمعیت هم ندارد.

آن وقت ما می‌توانیم از طریق روسیه با اروپا ارتباط برقرار کنیم. راه‌آهن شرق دریای خزر را داریم. به نظرم متضرر این ماجرا جمهوری آذربایجان است. جمهوری آذربایجان با تکیه بر ترکیه و گرجستان می‌خواهد معادلات منطقه‌ای را به هم بزند ولی اشتباه می‌کند و این توان و این پتانسیل را ندارد. طبیعی است که در داخل کشورش هم مخالفانی با دولت خواهد بود. بهترین راه این است که مذاکره کنند و مسئله را حل کنند. بعید به نظر می‌رسد که آنجا جنگ بشود. چون نه جمهوری اسلامی ایران علاقه‌مند است با جمهوری آذربایجان که یک کشور شیعه مسلمان است و دومین کشور شیعه جهان است وارد جنگ شود و نه جمهوری آذربایجان این توان را دارد.

ممکن است ترکیه هم وارد این معادله شود و بخواهد کار را خراب کند ولی ترکیه هم متوجه است و در شرایطی که بدترین وضعیت را خود آقای اردوغان و حزبش در ترکیه دارد، دست به چنین خودکشی‌ای نخواهد زد. ما فکر نمی‌کنیم که جنگ اتفاق بیفتد چون روسیه هم وارد صحنه می‌شود و درگیری را کاهش خواهد داد.